



نگارش: روح الله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

بموجب مأموریتی که باین جانب داده شده بود مدت دو ماه برای مطالعه موسیقی بکشور هند رفتم و مؤسسات موسیقی را در شهرهای دهلی و بمبئی و کالکت و لکنو و کشمیر دیدم و گزارش مسافرت خود را نیز تقدیم اداره کل هنرهای زیبا نمودم. قبل از این مسافرت هیچگونه اطلاعی از موسیقی هند جز آنچه گاه بگاه از رادیو شنیده بودم نداشتم. چنانکه درین مدت در آنجا از نزدیک مشاهده کردم مردم آن کشور هم بموسیقی ما جز از راه رادیو که صدای آن هم خوب نمیرسد خبری ندارند در ورتیکه هم موسیقی آنها بگوش ما مانوس وهم موسیقی ما برای آنها مطبوع است و جای تعجب است که دو کشوری که سالها در کنار هم زندگی کرده و همسایگی و روابط دوستانه داشته اند تا این اندازه از هنر یکدیگر بی خبر باشند. بنابراین مأموریت من بود که تا حدی سبب آشنائی من بموسیقی هند شد بسیار مفید بود. هر چند کشوری بزرگ مانند هند را نمیتوان در دو ماه بخوبی دید و بموسیقی آن کلاً آشنا شد ولی اکنون میتوانم بگویم چیزی از موسیقی هند میدانم که آنرا قابل آن می بینم که در اولین شماره دوره جدید مجله موسیقی انتشار دهم تا اهل فن هم بخوانند و از یکی از انواع موسیقی مشرق زمین که روابط نزدیک بموسیقی ما دارد آگاه شوند.

این نکته را نیز بگویم که در ضمن این مسافرت در چهار شهر هند سخنرانیهای از رادیو راجع بموسیقی ایران و مقایسه آن بموسیقی هند نمودم و نکاتی چند از موسیقی ملی را باختصار بیان داشتم و چند نوار ضبط صوت که از سولوی سازهای مختلف وار کستر همراه برده بودم بر رادیوهای هند دادم و در آخرین روز مسافرت هم بنا بخواهش آکادمی موسیقی دهلی آنها را در اختیار مؤسسه مزبور گذاردم و هر جا مجالی بدست آمد با اهل فن در باره موسیقی ایران مصاحبه کردم و آنها را نیز علاقمند بدربار نکات و دقائق موسیقی ایران دیدم بنابراین اکنون میتوانم بگویم که باب ارتباط هنری از لحاظ موسیقی با این سفر کواه افتتاح شده است و موقع برای بسط این رابطه بسیار مساعد

است که ممکن است در آتیه بوسیله مقامات رسمی دو دولت ایران و هند در ادامه و ازدیاد این ارتباط هنری قدمهای مؤثر مفیدتری برداشته شود.

اینک بطور اختصار بشرح موسیقی هند میپردازم.

قبل از شروع مطلب باید بگویم که راجع به موسیقی هند کتابهای بسیار بزبان انگلیسی منتشر شده است و محققین انگلیسی که در هند بوده اند موسیقی آن کشور را خوب مطالعه کرده و بشرح جزئیات قواعد آن در کتب خود پرداخته اند. حتی در یکی از همین کتابها فهرستی ازین قبیل انتشارات داده شده است که عدد آن به ۷۵ میرسد. هرچند اغلب این کتب بدست نمیآید ولی چندتای آنها را در ضمن مسافرت بدست آوردم و مطالعه کردم و آکادمی موسیقی نیز وعده داد که در مقابل اهداء یک دوره از نشریات موسیقی ایران که تقدیم نمودم کتابهای دیگری نیز بتدریج پیدا کرده بفرستد تا مورد استفاده قرار گیرد. البته بزبان هندی نیز کتابهایی نوشته شده است که از لحاظ ندانستن زبان برای من مورد استفاده نبود. بنابراین مواد این مقاله خلاصه ایست از کتابهای مزبور و آنچه عملاً درین مسافرت از موسیقی هند دیده و شنیده‌ام.

شمال و جنوب - موسیقی هند. مانند بسیاری چیزهای دیگر، در شمال و جنوب سرزمین هند مختلف است. شمال هند اقامتگاه مردم جنگجو بوده، شهرهای بزرگ داشته و محل تجارت بوده است. جنوب هند جایگاه مردمی است که در دهکده‌ها و مزارع سبز و خرم زندگی صلح طلب خود را ادامه داده و بکم قانع بوده و قبل از شروع محاربات استعماری انگلیسها میدان زور آزمائی ملل جنگجوی فاتح که بهند حمله میکردند نیز دور بودند. هنگامی که مسلمان شهرهای شمالی هند را فتح کردند مردم عاقل و پیش بین رو بجننگدای جنوب گذاردند تا از آزار فاتحین در امان باشند. همین موجبات اسباب اختلاف موسیقی شمال و جنوب هند شده است ولی نباید تصور کرد که هند دارای دو نوع موسیقی است. در حقیقت یک موسیقی است که بدو روش جلوه کرده است. موسیقی شمال را موسیقی هندوستانی و موسیقی جنوب را موسیقی کارناتیک (Karnatic) گویند و این هر دو مکتب بر اصولیست که دستورهای آنها کتابهایی که بزبان سانسکریت در موسیقی هند نوشته شده تعیین کرده است.

هم اکنون نیز در رادیوی دهلی از کستری ترتیب داده اند که نوازندگان از کستر بهر دو مکتب آشنا هستند. این از کستر دارای دو رهبر است که یکی در مکتب شمال و دیگری در مکتب جنوبی تخصص دارد و یک روز در میان بنوبت باار کستر مزبور کار میکند و در نتیجه رادیوی کشور نیز هر دو قسم موسیقی را انتشار میدهد. سازهای شمال و جنوب نیز بایکدیگر اختلافاتی دارد و از جمله وینا (Vina) که درین از کستر بکار میرود دو قسم است که یکی نوازنده وینای شمالی و دیگری نوازنده وینای جنوبیست.

افسانها و تاریخ - آغاز موسیقی هند را باید از میان افسانه‌ای زیبا و شاید خیالی خدایان پیدا کرد چه آنها را مخترع و حامی این هنر دانسته‌اند.

ساراسواتی (Sarasvati) یکی از خدایان است که مظهر هنر و دانش تصور شده است و او که بصورت زنی نموده میشود در نقاشیها در یک دست و بنا گرفته با دست دوم مینوازد و کتابی در دست سوم و گردن بند مرواریدی بدست چهارم دارد.

لغت فنی موسیقی را «سانگیت» (Sangeet) میگویند که شامل رقص و درام نیز هست و

ایجاد آنرا یکی از خدایان که « شیوا » (Shiva) نامیده میشود نسبت میدهند . در میتولوژی هند کسانی که بانسان هنر و علم آموخته‌اند مقدس (Rishi) نام دارند . گویند « بهاراتاریشی » (Bharatarishi) هنر را بر قاصان بهشتی آموخت و آنها در پیشگاه شیوا هنرنمایی کردند . ناراداریشی (Naradarishi) که همیشه در زمین و آسمان سرگردانست و بنا بدست دارد . میخواند و مینوازد و هم او بوده است که موسیقی را بر مردم آموخته است . در میان ساکنان آسمانها دسته های نوازندگان هستند ؛ گاندهاروا (Gandharva) خواننده ، آپساراسا (Apsarasa) رقاصه و کینارا (Kinnara) که مانند اسبی است که از کمر بیلا آدم است آلات موسیقی را مینوازد . اینک یکی از افسانه‌های قدیمی زیبا راجع بموسیقی :

« ریشی نارادا » خود را در هنر موسیقی کامل میدانست . ویشنو (Vishnu) که دانای کامل و عقل کل بود او را بیارگاه خدایان برد که بنای عظیمی بود در آنجا مردان و زنان بیشماری که اندامی ناقص و اعضائی شکسته داشتند بگریه و زاری نشسته بودند . ویشنو توقف کرد و علت سوگواری دست آنها را پرسید . گفتند ما الحان موسیقی (Raga) بوده ایم که ماهادوا (Mahadeva) با اختراع ما زده است ولی چون نارادا (Narada) که از علم موسیقی بی‌خبر است بی‌پروا بخواندن ما آغاز کرد شکل ما تغییر کرد و اعضای بدن ما شکست و راهی جز این نیست که « ماهادوا » یادگیری که از این هنر بهره کافی داشته باشد این نغمه‌ها را درست بخواند و گرنه امیدی نیست که ما بهیشت نخست در آیم .

« نارادا » از شنیدن این سخن خجل شد ، در مقابل « ویشنو » زانو بر زمین زد و طلب بخشایش نمود .

در کتاب ودا که قدیمترین کتاب مذهبی هندو است نام بسیاری از آلات موسیقی سیمی و بادی و ضربی دیده میشود . سرود های مذهبی « ریگ ودا » و « ساما ودا » اولین نوسازی های موسیقی آوازی مذهبی هند است ؛ از دوره پانینی (Panini) که معاصر اسکندر مقدونی بوده است نام دو تن که در رقص مهارت داشته‌اند بنام Krisasvin و Silalin باقی مانده است .

اولین اشاره بقواعد موسیقی از چهار صد سال قبل از میلاد مسیح راجع بهفت نت گام (Gamut) دیده میشود همان که یک قرن قبل (در ۵۱۰ قبل از میلاد) در یونان توسط فیثاغورث (Pythagore) مورد نظر قرار گرفته بود ؛ گویند راوانا (Ravana) استادی زبر دست در موسیقی بود و با خواندن سرودهای ودا همواره تسلی بخش « شیوا » بوده است . رامایانا (Ramayana) از « جاتی » (Jati) گفتگو کرده است که نام قدیمی الحان موسیقی (Raga) بوده و چنین بنظر میرسد که عده آنها هفت بوده که هر یک از آنها در روی یکی از نت های گام تشکیل میشده است . ماهابهاراتا (Mahabharata) از هفت نت دیاتونیک (Svara) و همچنین از سومین مقام قدیمی (Gandhara Grama) وقواعد فواصل مطبوع گفتگو کرده است .

در کتابهای تامیل (Tamil) بمقام مهم طبل جنگ اشاره شده است . همانطور که امروز بیرق قشون اهمیت دارد در آن زمان هم اگر قوای جنگجو طبل جنگ را از طرف مقابل میگرفت علامت شکست بود .

از موسیقی دراویدین ها (Dravidians) نیز اطلاعاتی بدست آمده ؛ دونوع مقام (Raga) داشته‌اند که یکی کامل یا هفت نتی بوده و دیگری از شش یا پنج صدا تشکیل میشده است . از

بیست و دو فاصلهٔ کام که ماترا (Matra) بوده و بعدها سروتی (Sruti) گفته شده نیز سخن
بمیان آمده . نام اصوات هفت گانهٔ کام نیز چنین خوانده شده است :

Sa Ri Ga Ma Pa Dha Ni که اکنون نیز در هند معمول موسیقی دانهاست .
از مقامات (Modes) مختلف نیز صحبت شده که بعضی از آنها هنوز هم در جنوب هند
متداولست و از مطالبی که در کتابهای قدیم ذکر شده بخوبی معلوم میشود که موسیقی در میان
در اویدینهای جنوب هند در قرون اول میلادی مقام شایسته‌ای داشته است .

ولی در دورهٔ بودا (از قرن سوم بعد از میلاد) مقام حجاری و معماری و نقاشی از موسیقی
بالاتر رفته است . از قرن چهارم مقام تأثر هم ارزش بسیار یافته . از آن زمان راجه های بزرگ
همواره عده‌ای موسیقی‌دان در دربار خود داشته‌اند . معبد هندیان نیز بزرگترین آموزشگاه پرورش
و ترقی هنر موسیقی بوده است .

در رسالهٔ خطی که از قرن هفتم میلادی بدست آمده و در استان مدرس نوشته شده اطلاعاتی
راجع به فواصل و اصوات موسیقی وجود دارد .

قرن هفتم و هشتم میلادی که دورهٔ تجدید و احیاء مذهب است خاصه در جنوب هند موجب بسط
و رونق موسیقی شد زیرا پیشوایان مذهب با سرودهایی که می‌ساختند بنشر عقاید خود می‌پرداختند و
این درست مصادف با همان ایامیست که پاپ گر گوار بزرگ موسیقی را برای نشر دستورهای کلیسای
کاتولیک بکار برد .

اولین موسیقیدان شمال هند جیادوا (Jayadeva) نام دارد که در آخر قرن ۱۲ میلادی
در ناحیهٔ بولپور (Bolpur) میزیسته و سرودهایی برای کریشنا (Krishna) ساخته و از عشق
خود باو سخن گفته است و نام این سرودها گیتا گویندا (Gita Govinda) بوده است .

قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی مهمترین دورهٔ پرورش و ترقی موسیقی شمال هند است .
امیراطوران این دوره بهترین مروج و مشوق موسیقی بوده و اکثر آنها موسیقی دانهای بزرگی
در دربار خود داشته‌اند . از همین موقع است که مقدمات نفوذ موسیقی ایران در موسیقی هند پدید
میاید و بیش از پیش موجب امتیاز موسیقی شمال و جنوب میشود . امیر خسرو دهلوی که آوازخوان
و شاعر موسیقی‌دان دربار سلطان علاءالدین (۱۳۱۶ - ۱۲۹۵ میلادی) بود درین کار سهم بسزائی
دارد . او علاوه بر مقام هنری از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز مرد بزرگی بود و در زمان دو پادشاه
سمت وزارت داشت . قوالی یعنی سبک خاصی که اشعار فارسی با آواز خوانده میشد اولین دفعه بوسیلهٔ
او ایجاد شد . همان که هنوز هم هست و در سفر اخیر نیز در مقبرهٔ نظام‌الدین اولیا در دهلی (نو) (۱)
شنیدم . میگویند بعضی از الحان جدید هند نیز توسط او ایجاد شده است . سه‌تار هند که از ترکیب
وینای هند و سه‌تار ایران بوجود آمده نیز توسط امیر خسرو اختراع شده است . حکایتی راجع به
رقابت امیر خسرو و موسیقی‌دانی بنام گوپال نایک (Gopal Naik) که معاصر او بود نقل
شده است :

گویند وقتی گوپال آهنگی زیبا میخواند ، امیر خسرو خود را در زیر تخت پادشاه مخفی کرد
و پس از آنکه آنرا خوب فرا گرفت ، آهنگ مزبور را در حضور شاه خواند و بهتر از گوپال از
عهده بر آمد .

(۱) مقبرهٔ امیر خسرو دهلوی نیز در همان جاست .

در تواریخ مسلمین نوشته شده است که وقتی سلاطین مغول از فتح دکن فراغت یافتند جمعی از موسیقیدانهای جنوب هند را با خود بشمال بردند همانطور که بعنوان باج راه، عده‌ای از معماران و حجاجان هندی را هم برای ساختمانهایی که داشتند با خود بدربار آوردند.

امپراطور اکبر (۱۶۰۵ - ۱۵۴۲ میلادی) عاشق موسیقی بود و برای ترقی موسیقی علاقه بسیار بخرج داد. در زمان او تغییرات زیادی در الحان موسیقی پدید آمد و از موسیقی ایران نیز اقتباس زیاد شد و در نتیجه موسیقی شمال هند را بروش مطلوبتری در آورد. موسیقی درباری (Dabari) که به‌بین نام فارسی معمول است از امتیازات آن زمان است و این نوع موسیقی نیز از یک طرف و موسیقی مذهبی معابد نیز از طرف دیگر در حال ترقی و پیشرفت بود.

حکایت دیگریست راجع به عازیداس سوامی (Haridas Swami) موسیقیدان بزرگ هند که مرد مقدسی بود در کنار رود «جو ما» در زمان پادشاهی اکبر در حال انزوا مزیست. تان سن (Tan Sen) که موسیقیدان مشهور دربار اکبر بود از آن استاد موسیقی رافرا گرفته بود. گویند تاکنون خواننده‌ای نظیر تان سن بوجود نیامده است. روزی تان سن در حضور شاه آواز خواند و اکبر از او پرسید آیا کسی در دنیا از او بهتر خواننده است؟ تان سن جواب داد آری یکی است که استاد او میباشد ولی بدربار نخواهد آمد. امپراطور مشتاق آواز آن استاد شد و تان سن او را با لباس مبدل نزد استاد برد، تان سن از او خواهش کرد که بخواند ولی مورد قبول واقع نشد. تان سن شروع بخواندن آوازی کرد که از استاد فرا گرفته بود و عمداً قسمتی از آنرا غلط خواند. استاد فوراً متوجه شد و خواندن صحیح آن را تذکر داد و خود شروع بخواندن کرد. وقتی تان سن همراه شاه بدربار مراجعت کرد شاه از او پرسید چرا نمیتوانی بخوبی استادت بخوانی؟ تان سن گفت من بدستور شاه میخوانم ولی راهنمای استاد من ندای باطنی است.

در دربار شاه جهان نیز موسیقی دانهای مشهور بوده اند مانند جاگاناتا (Jagannatha) و لعل خان که از پیروان «تان سن» بوده است. گویند یک بار جاگاناتا و موسیقیدان دیگری موسوم به «دیرنگ خان» مساوی وزن خود سکه نقره - جاززه گرفته‌اند که بالغ بر ۴۵۰۰ روپیه بوده است. «اورنگ زیب» که یکی از امپراطوران مغول بود بعکس شاهان پیش توجهی بموسیقی نداشت. گویند موسیقیدانها برای اینکه توجه او را باین هنر جلب کنند لاشه‌ای لباس پوشانده در تابوت قرار دادند و در حالی که ندبه‌وزاری میگردند از مقابل ایوان شاهی گذشتند. شاه سبب پرسید و آنها گفتند موسیقی در اثر عدم توجه مرده است و آنها میخواهند آنرا دفن کنند. شاه گفت قبر را هرچه ممکن است عمیق‌تر بکنید بطوری که هرگز صدائی از آن بیرون نیاید و این حکایت علامت بی ذوقی اورنگ زیب است.

پوراندارادازا (Purandara Dasa) (۱۵۶۴ - ۱۴۸۴ میلادی) آهنگ‌های زیبایی ساخته و تمریناتی برای آواز نوشته که هم اکنون مورد استفاده کسانی که آغاز تحصیلات موسیقی میکنند میباشد. محمدشاه که آخرین پادشاه مغول بود نیز موسیقی دانهای مشهوری در دربار خود داشت. در زمان او بود که شوری (Shori) خواننده معروف سبکی را بنام تاپا (Tappa) در موسیقی آوازی تکمیل کرد؛ سبکهای دیگری هم در موسیقی هند پیدا شد که از مکتب موسیقی ایران اثر گرفته بود.

وقتی انگلیسیها هند را تصرف کردند موسیقی هند منحصر شد بدربار شاهزاده های هندی زیرا اغلب اروپائیان آنرا ابتدائی و غیر علمی میدانستند ولی در عین حال اشخاصی مانند Sir William Jones و S. W. O. ley و Captain Doy و Cap. Willard آنرا در خور مطالعه و تحصیل دانستند. در جنوب هند تولاجاجی (Tulajaji) پادشاه تانجور (Tanjore)



« تان سن » در دربار اکبر شاه

با تحف و هدایای بسیار موسیقی دانها را بدربار خود خواند بطوری که تانجور یکی از مهمترین مراکز موسیقی شد. در سال ۱۸۱۳ محمد رضا از نجبای پاتنا (Patna) کتابی در موسیقی بنام « نعمات آصفی » نوشت. در اواخر قرن هیجدهم مهاراجه جیپور (Gaipur) کنفرانسی از متخصصین موسیقی تشکیل داد و نتیجه مطالعات آنها در کتابی بنام « Sangita Sara » نوشته شد.

در بنگال در نیمه دوم قرن نوزدهم تا گور (Sir S. M. Tagore) کارهای مهمی در موسیقی کرد کتاب او بنام «Universal History of Music» دارای ارزش بسیار است .
دکتر رابین درانات تا گور (Dr. Rabindranath Tagore) از اقوام تا گور قبلی بود و تأثیر بسیار در موسیقی بنگال داشت . آهنگهای او انتشار بسیار یافت و یکی از آنها که معروف بنوای «من میخوامم بروم و بخوانم» (Janagana) است سرود ملی هند آزاد شد .
در سالهای اخیر تعلیمات موسیقی در هند پیشرفت کرد و آموزشگاههای موسیقی در همه جا دایر شد . مخصوصاً شهرهای مدرس ، کلکته ، لکنو یونا ، بنگور ، بمبئی ، گوالیور ، بارودا ، تانجور و میسور از لحاظ موسیقی دارای اهمیت میباشد .

مهمترین کنفرانس موسیقی در سال ۱۹۱۶ بوسیلهٔ مهاراجه بارودا دایر شد که موجب تاسیس آکادمی موسیقی هند در سال ۱۹۱۹ گردید . آکادمی موسیقی دیگری نیز در سال ۱۹۲۸ در مدرس دایر شد . دانشگاه مدرس موسیقی را وارد برنامه خود کرد و موسیقی دان معروف Prof. P. Sambamoorthy را بتعلیم این رشته گماشت . کالج دیگری در لکنو دایر شد که بنام V. Narain Bhatkhane بود و اکنون Maurice College of Hindustani Music نام دارد S. N. Ratanjankar رئیس آنست و هیئت محنته ای نیز در آنجا برهبری Uma Nath Bali دایر میباشد .

در دهلی نو اینک آکادمی موسیقی و رقص (Sangeet Natak Akadami) مؤسسه رسمی دولتی است که از طرف وزارت فرهنگ تاسیس شده و تمام آموزشگاههای موسیقی هند را زیر نظر دارد و بآنهائی که دارای برنامهٔ صحیح و معلمین شایسته هستند کمک خرج میدهد . سالی چند کنفرانس و فستیوال رقص و موسیقی نیز ترتیب میدهد . اداره کنندهٔ این آکادمی یعنی دبیر کل آن خانم جوشی (Miss N. Joshi) است که برای مطالعات این جانب در موسیقی هند راهنمایی های لازم را نمود . اولین کنفرانس آتیه که گویا در حدود یکی دو ماه دیگر است و تمام متخصصین و موسیقی دانهای هند را دعوت کرده اند مربوط بخط موسیقی میباشد زیرا چنانکه بعد گفته خواهد شد خط مخصوصی برای موسیقی در هند معمول است و میخواهند این موضوع را مورد بحث قرار دهند که همان خط کافست یا باید خط بین المللی موسیقی را اتخاذ و اقتباس نمایند و از قراری که استنباط کردم نظر اخیر طرفدار دارد و مورد عمل قرار خواهد گرفت .

این بود تاریخچه مختصر موسیقی هند . در شماره های آتیه از مباحث دیگر یعنی گامها و سازها و کیفیت موسیقی هند گفتگو خواهد شد .